

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

سال تحصیلی ۱۴۰۴-۰۵



مرحله سوم

پایه دوازدهم

این مرورنامه، ویژه مباحث جدید آزمون است. مرورنامه مباحثی که در آزمون‌های قبل به آن‌ها پرداخته شده، در پنل کاربری شما قابل دریافت است و در این فایل از تکرار آن پرهیز شده است.

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
تعلیم و تربیت اسلامی	دین و زندگی دهم: درس‌های ۹ و ۱۰ مهارت‌های معلمی: فصل ۲ (تا ابتدای سابقه نیک داشته باشد)	۲	۶	ارسلان محمدی	سهراب کلانتری

ویژه کنکوری‌های ۱۴۰۵

آزمون دانشگاه فرهنگیان

مرونامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



♦♦ دین و زندگی دهم: درس ۱♦♦

– یادی از نماز و روزه –

- خدای مهربان برای زندگی ما انسان‌ها برنامه‌ای تنظیم کرده که دربردارنده احکام و وظایف گوناگونی در ارتباط با خدا، خود، خانواده، جامعه و خلقت است. با عمل به این برنامه و احکام و دستورات آن، انسان می‌تواند در مسیر نزدیک شدن به خدا گام بردارد و به رستگاری در دنیا و آخرت برسد.
- تمامی احکام و دستورات در جهت مصلحت ما است.
- خدای متعال برخی از فایده‌های مهم‌ترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومان به اطلاع ما رسانده است.

دو فایده نماز عبارت‌اند از: (۱) یاد خدا (۲) دوری از گناه

- مهم‌ترین فایده روزه نیز عبارت است از: تقوا
- قرآن کریم همواره مردم را دعوت به تقوا می‌کند.
- مثل انسان‌های بی‌تقوا مثل سوارکارانی است که سوار بر اسب‌های چموش و سرکشی شده‌اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته‌اند و به بالا و پایین می‌پرند و عاقبت، سوارکار را در آتش می‌افکنند، اما مثل آدم‌های باتقوا، مثل سوارکارانی است که بر اسب‌های رام سوار شده‌اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می‌پیمایند تا این که وارد بهشت شوند.
- تقوا به معنی حفاظت و نگاه‌داری است.
- انسانی که پنج بار در طول روز نماز به پا می‌دارد، یاد خدا را در دل خود زنده می‌کند و حضور او را در جای‌جای زندگی احساس می‌کند.
- توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب می‌شود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند.
- ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۚ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾
- «و نماز را بر پا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید.» مضمون آیه این است که نماز می‌تواند نقش بسیار پررنگی در بازدارندگی از گناه داشته باشد.
- تأثیر نماز به تداوم و به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد.
- امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی بازداشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است.»
- اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد.
- اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، آلودگی‌های ظاهری ما کم‌تر خواهد شد.
- اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، کم‌تر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد.
- اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، قدرت‌های دیگر در نظرمان کوچک خواهند شد و به آنان توجه نخواهیم کرد.
- اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.
- اگر عبارت ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دل نخواهیم بست.
- اگر عبارت ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا ضَالِّينَ﴾ را با توجه بگوییم، خود را در زمره کسانی که خدا بر آن‌ها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد.
- با تکرار درست آن چه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم، به تدریج چنان تسلطی بر خود می‌یابیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.
- همه چیز پاک است، مگر ۱۱ چیز و آن چه در اثر برخورد با آن‌ها نجس می‌شود.

برخی از نجاسات عبارت‌اند از:

- ۱) خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
 - ۲) و ۳) ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های حرام‌گوشتی که خون جهنده دارند.
 - ۴) مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
 - ۵) و ۶) سگ و خوک، زنده و مرده آن‌ها نجس است.
 - ۷) کافر یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد.
 - ۸) شراب و هر مایع مستی‌آور، نجس است.
- هم‌چنین لازم است بدانیم: نوشیدن شراب، چه کم و چه زیاد حرام است و در زمره بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده است.
- خداوند در قرآن درباره این عمل ناروا می‌فرماید: «ای مردمی که ایمان آورده‌اید؛ به راستی شراب و قمار و بت‌پرستی و تیرک‌های بخت‌آزمایی، پلید و از کارهای شیطانی است. پس از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می‌خواهد با شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا دور سازد و از نماز بازدارد.»
- حضرت علی (ع) می‌فرماید: «رسول خدا نماز را به چشمه آبی تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شبانه‌روز، پنج مرتبه خود را در آن شست‌وشو دهد؛ پس هرگز آلودگی بر بدن او باقی نمی‌ماند.»

اعمالی که تأثیر نماز را از بین می‌برند: (۱) ناراحت کردن پدر و مادر (۲) غیبت کردن

۱) ناراحت کردن پدر و مادر:

امام صادق (ع): «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند، هرچند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند، نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.»



۲) غیبت کردن:

- پیامبر اکرم (ص) به ابوذر فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی شود مگر این که فرد غیبت شده، او را ببخشد.»
- در انجام عباداتی مانند نماز، دو دسته شرط وجود دارد: یکی شرط صحت و دیگری شرط کمال؛ مثلاً اگر کسی واجبات نماز را درست انجام دهد، نمازش صحیح است؛ یعنی شرایط صحت را دارد و لازم نیست آن را دوباره بخواند، اما برای این که این نماز در او اثر داشته باشد و او را از گناهان بازدارد، باید شرایط دیگری را هم رعایت کند که به آن شرط کمال می گویند، مثل این که با دقت و توجه نماز بخواند. (پاورقی صفحه ۱۲۸)
- مقصود از قبول شدن یا قبول نشدن در این احادیث، همان داشتن یا نداشتن شرط کمال است؛ بنابراین کسی نمی تواند به بهانه این که غیبت کسی را کرده است، نمازش را تا مدتی نخواند. (پاورقی صفحه ۱۲۸)

روزه و تقویت تقوا:

- میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف های بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و تقوا بستگی دارد و هر قدر هدف بزرگ تر باشد، تقوای بیشتری می طلبد.
- خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می کند که اگر آن را به درستی انجام دهد، چنان تسلطی بر خود پیدا می کند که می تواند موانع درونی را کنار بزند و گام های موفقیت به سوی برترین هدف های زندگی را به خوبی بردارد. این عمل روزه است.
- روزه، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش های دل است:
- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾: «ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر شده بود؛ باشد که تقوا پیشه کنید.»
- رسول خدا (ص): «چه بسا روزه داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی شود.»

مبطلات روزه:

- ۹ چیز روزه را باطل می کند که برخی از آن ها عبارت اند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فروبردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.
- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمداً تیمم نکند، نمی تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.
- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مدّ تقریباً ۷۵ گرم گندم و جو و مانند آن ها به فقیر بدهد.
- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم کفاره بدهد، یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد که یک ماه آن باید پشت سرهم باشد یا به شصت فقیر طعام بدهد به هر فقیر یک مدّ.
- اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفاره یادشده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

وظیفه شخص مسافر:

- کسی که سفر می رود، اگر شرط های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد: ۱) رفتن او بیش از ۴ فرسخ شرعی (۵/۲۲ کیلومتر) و مجموع رفت و برگشت او بیش از ۸ فرسخ شرعی باشد. ۲) بخواد کم تر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند؛ پس کسی که می خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه اش را هم بگیرد. ۳) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه اش را بگیرد. اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.

مهارت های معلمی استاد قرائتی

– فصل دوم : صفات معلمی (تا ابتدای صفت: سابقه نیک داشته باشد) –

هر معلم باید دارای ویژگی ها و خصوصیات باشد که او را در عرصه تعلیم و تربیت موفق کند. او می تواند با تلاش و استمداد از حضرت حق، ویژگی های مثبت خود را ارتقا دهد و اثرگذاری خویش را تقویت نماید.

در فصل دوم برخی از ویژگی ها و صفات معلم را بررسی می کنیم:

۱) سوز و حرص داشته باشد:

- اگر کسی برای اصلاح و تحول جامعه، از درون سوز نداشته باشد و مشتعل نباشد، محال است بتواند جامعه ای را مشتعل سازد. یکی از صفات برجسته انبیای الهی سوز و گداز آن ها برای هدایت و سعادت انسان ها بود. داشتن سوز یک کمال است.

قرآن کریم درباره پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾

«همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده که آن چه شما را برنجانند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز و با مؤمنان رؤوف و مهربان است.»

پیامبر (ص) برای هدایت و تبلیغ دین، شور و عشق فراوانی داشت و خداوند در همین رابطه می فرماید: ﴿مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾: «ما قرآن را نفرستادیم که تو خود را به مشقت بیندازی.»

- خداوند متعال باز می فرماید: ﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾: «شاید خویشتن را هلاک کنی که چرا آن ها ایمان نمی آورند.»

مروارثه آزمون آزمایشی خیلی سبز



● از صفاتی که می‌تواند در تعلیم و تربیت مؤثر باشد، داشتن سوز و حرص به اندازه است. معلم باید هر دانش‌آموز یا دانشجو را فرزند خود بداند، در تعلیم و تربیت او حریص باشد و برای سستی، بی‌توجهی و بی‌حالی او غصه بخورد.

۲) سعه صدر داشته باشد:

● استاد، معلم و مربی باید دارای روح بزرگی باشد که تحمل بی‌مهری‌ها، جسارت‌ها و سرسختی‌های دیگران را داشته باشد.
همین‌که خداوند متعال به موسی (ع) فرمود که تو از طرف من مأمور ارشاد و هدایت مردم هستی، اولین دعای حضرت موسی (ع) این بود: ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اخْلُصْ عَنِّي مَن لِّسَانِي يَقُولُ مَا يَقُولُ﴾
موسی گفت: «پروردگارا (اکنون که مرا به این کار بزرگ مأمور فرمودی) سینه‌ام را برابرم گشاده گردان (و بر صبر و حوصله‌ام بیفز) و کار مرا برابرم آسان فرما و گره از زبانم باز نما تا آن‌ها سخنان مرا (خوب) بفهمند.»

● از نعمت‌هایی که خداوند به پیامبر (ص) اعطا فرمود، سعه صدر بود. ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ «ای پیامبر آیا به تو شرح صدر عطا نکردیم؟»
● برخورد نرم با افراد نااهل و داشتن سعه صدر در مقابل آن‌ها برای همه لازم است.
● قرآن کریم در خصوص مؤمنین می‌فرماید که برخورد آنان با افراد جاهل، مسالمت‌آمیز است. ﴿وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ «و هرگاه جاهلان آنان را طرف خطاب قرار دهند (و سخنان نابخردانه گویند) با ملایمت و سلامت نفس پاسخ می‌گویند.»
● مؤمنان در برخورد با لغو با کرامت عبور می‌کنند. ﴿وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ «و چون بر لغوی عبور کنند کریمانه بگذرند.»
● سعه صدر برای هر مسؤولی لازم است.
امام علی (ع) می‌فرماید: «آلَةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ: ابزار ریاست، سعه صدر است.»

۳) بی‌تکلف باشد:

● تکلف این است که انسان کاری را با مشقت و تصنع انجام دهد؛ در زندگی، کار، پوشش، گفتار و رفتار به خود سخت بگیرد؛ مقید به پوشش خاص، مدرسه خاص، شاگردان ویژه و ... باشد و در یک کلام، برای خود شأنیتی ویژه قائل شود.
● نمونه‌ای از بی‌تکلف‌بودن پیامبر (ص): همه نوع غذا را تناول می‌کرد و هر چه را خدا برایش حلال کرده بود، می‌خورد. هیچ‌گاه خود را از انسان‌های بی‌چیز و مستضعف جدا نمی‌کرد و از معاشرت با آنان اکراه نداشت. شوخی می‌کرد و در کنار همه غذا می‌خورد.
● نشانه بی‌تکلفی، سلام کردن به همه افراد، رفت‌وآمد با طبقات محروم، کمک کردن به همسر، توقع‌نداشتن از مردم، اقرار کردن به جهل (در جایی که ندانیم) اقرار به برتری دیگران و امثال آن است.
● معلم و مبلغ نباید با خواسته‌های غیرمعقول و خارج از عرف، مردم را دچار زحمت کند.

۴) مخلص باشد:

● ما باید هم در تحصیل و هم در تعلیم و تبلیغ، نیت خالصانه داشته باشیم.
امام صادق (ع): «کسی که طلب علم کند تا با آن به علما مباحثات کند یا با سفیهان مجادله نماید یا آن که مردم را متوجه خودش کند، پس منزلگاهش را آتش قرار داده است.»
● معنای اخلاص آن است که از اول نیت اجر و پاداش نکنیم؛ همان‌طور که قرآن در وصف اهل بیت (ع) می‌فرماید: «آن هنگام که مسکین و یتیم و اسیر به در خانه‌شان آمد و آن‌ها غذای افطار خود را به آن‌ها دادند، گفتند: ﴿لَا تُرِيدُ مِنكُم جَزَاءٌ وَ لَا شُكْرًا﴾ ما از شما هیچ پاداش و تشکری نمی‌خواهیم.»
● باید در گفت‌وگوها سخنی از مزد نگوییم چراکه شعار همه معلمان الهی، یعنی انبیا، این بود که: ﴿وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ «من برای این رسالت هیچ مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.»

در خصوص اخلاص، به سه نکته باید توجه کرد:

۴) اگر انسان به دست این و آن چشم بدوزد، گرفتار می‌شود. ستایشگر گروهی می‌شود که به او کمک می‌کنند و از گروهی انتقاد می‌کند که به او کمک نمی‌کنند.

﴿صُنْ وَجْهِي بِالْإِسَارِ فَأَقْتَنِينَ بِحَدِّ مَنْ أَعْطَانِي وَ أَبْتَلِي بِذِمِّ مَنْ مَنَعَنِي﴾

۵) اخلاص، دانشگاهی است که چهل‌روزه فارغ‌التحصیل بیرون می‌دهد.

۶) اگر ایمان و توحید قوی باشد و بدانیم کمی و زیادی ما فقط به دست خداست، به آرامش و اخلاص می‌رسیم. اگر بدانیم روزی به داشتن ثروت نیست، بلکه روزی حقیقی در کامیابی است، به اخلاص می‌رسیم. چه بسیارند افرادی که برای دنیا دائماً تلاش می‌کنند؛ جمعی به آن نمی‌رسند و گروهی هم که به دنیا می‌رسند از آن کامیاب نمی‌شوند.

۵) خود را فارغ‌التحصیل نداند:

● در اسلام فارغ‌التحصیل نداریم.

● خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید: ﴿وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ «بگو پروردگارا! علم مرا زیاد کن.»

● کسی موفق است که بتواند از هر ماجرا و از هر شخصی با هر سن و شرایطی که دارد کسب علم کند.

● قرآن کریم گروهی را که به علم خود قانع بودند، توبیخ می‌کند و می‌فرماید: ﴿فَرَحُّوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ يَا ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ﴾ حدیث معروف: «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ: داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش اضافه کند.»

۶) توفیقاتش را از خدا بداند:

● باید مراقب بود که سرگرم‌شدن به کتاب، درس، مقاله و پژوهش، ما را از خدا غافل نکند.

● قرآن کریم از قول شعیب (ع) می‌فرماید: ﴿وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ﴾ «و جز به لطف خداوند، توفیقی برای من نیست.»

● تصور نکنیم که رشد علمی و توفیقات ما تنها به خاطر مطالعه، تحصیل و تدریس است، زیرا این تصور باعث ایجاد غرور می‌شود.



- بعضی علوم را می‌توان با تعلیم، تحصیل، تدریس، مطالعه و گفت‌وگو کسب کرد؛ اما تمام علوم این‌ها نیست. گاهی بعضی علوم و ادراکات ویژه، به افراد ویژه داده می‌شود.
- قرآن کریم درباره حضرت یوسف (ع) می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَّبُّكَ وَيَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ﴾: «خدا تو را انتخاب کرد و علم ویژه به تو داد.»
- این عنایت تنها مخصوص علم نیست، بلکه گاهی بصیرت، حکمت و نور باطنی ویژه نیز به برخی افراد خاص داده می‌شود که بر اثر آن، با نگاه ساده می‌نگرند، ولی مسائل عمیقی را درک می‌کنند.

۷) باشهامت باشد:

- معلم و استاد باید شهامت داشته باشند؛ اگر چیزی را نمی‌دانند، بگویند نمی‌دانم و خجالت نکنند، به برتری کسانی که باسوادتر هستند، اقرار کنند و اگر چیزی را از یاد بردند، بگویند فراموش کردم.
- اقرار به ضعف و اشتباه، عذرخواهی و نقل شکست‌هایی که برای دیگران عبرت است، نیاز به شهامت دارد.
- گاهی استاد باید برای آرام کردن هیجان‌ها از خود مثال بزند تا راه برای دیگران باز شود. مثلاً در کودکی میوه‌ای از درخت کندم و خوردم که بعداً در بزرگسالی فهمیدم حق الناس بوده، رستم پای آن درخت و صاحبش را راضی کردم. با این روش به شاگردانش می‌فهماند که حق الناس، بلوغ و غیربلوغ، خواب و بیداری یا مست و هوشیاری نمی‌شناسد. حتی اگر کسی در خواب با پای خود ظرفی را بشکند، در بیداری باید هزینه آن را بپردازد.
- باسوادان بی‌شهامت امروز، خودفروختگان فردا خواهند بود؛ لذا باید نسل نو را آن‌گونه تربیت کنیم که شجاع باشند، به ارزش‌ها ایمان داشته باشند، در راه حفظ ارزش‌ها ایثار کنند و از جان و مال خود مایه بگذارند.

۸) اعتماد به نفس داشته باشد:

- ما باید اهل منطق باشیم، به خدا اعتماد کنیم و در هیچ حادثه‌ای خود را نیازیم. برخی از افراد، بسیاری از سنت‌های صحیح و منطقی خود را تحقیر می‌کنند و بسیاری از آداب و رسوم بی‌منطق دیگران را دربست می‌پذیرند. این عده، وقتی چهار کلمه انگلیسی یاد می‌گیرند، مرتب از آن استفاده می‌کنند یا این‌که خیال می‌کنند جنس تولید خارج حتماً از تولیدات داخلی بهتر است. این نشان‌دهنده خودباختگی است.
- باید منشأ اعتماد به نفس، ایمان به خدا و راه او و داشتن هدف الهی و بصیرت کامل باشد.
- ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾
- «ای پیامبر بگو این راه من است. من و هر کس پیروی‌ام کرد، با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم.»
- در زمان ما بهترین نمونه و مصداق ایمان به خدا و اعتماد به راه خود، وجود مبارک امام خمینی (ره) بود.

۹) مردمی باشد:

- معلم و مربی، باید در جامعه حضور داشته باشند.
- رهبر نباید از جامعه جدا باشد و زندگی عادی و حضور در میان مردم، برای او کمال است.
- کسی که اهل رفت‌وآمد با مردم است، بهتر می‌تواند آن‌ها را ارشاد کند.
- قرآن درباره انبیا (ع) می‌فرماید: ﴿وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ﴾: «و در بازارها راه می‌رفتند.»
- یعنی آنان پیوسته در میان مردم رفت‌وآمد داشتند تا مسائل آنان را از نزدیک درک کنند.
- در بعضی از آیات واژه «رسول» با «فهم» و «منهم» آمده است، یعنی رسول از مردم و در بین آن‌هاست و با آن‌ها زندگی می‌کند.
- در بعضی آیات نیز با عبارت «والذين معه» آمده است که همراهی رسول و مردم را می‌رساند؛ بنابراین از مردم، در مردم و با مردم بودن ارزشمند است.
- معلم و استادی موفق است که شاگردان او به راحتی بتوانند به او دسترسی پیدا کنند.
- در احادیث آمده است افرادی که دست به کارهای غیرطبیعی می‌زنند، گرفتار نوعی بیماری هستند و چون درون خود احساس کمبود و ذلت می‌کنند، با دست‌زدن به یک سری کارها می‌خواهند آن کمبود را جبران کنند. در فقه نیز آمده است که لباس شهرت حرام است؛ زیرا در آن، نوعی امتیازطلبی به چشم می‌خورد.

۱۰) صراحت لهجه داشته باشد:

- از ویژگی‌های خوب یک معلم، داشتن کلام رسا و صراحت لهجه است. اسلام جز در موارد خاصی - که مربوط به آبروی افراد یا مسائل خانوادگی یا جنسی است - شفاف‌بودن سخن و کلام را رعایت کرده است و استاد و معلم نیز باید مراعات کنند.
- صراحت، شفافیت، صلابت، شهامت و پرهیز از ملاحظات قومی و نسبی در بیان حقایق و نفی باطل و مبارزه با آن، نشانه ایمان راسخ است. انبیای الهی در تبلیغ دین صراحت لهجه داشتند.
- نمونه دیگر صراحت در بیان قرآن کریم، در رد ادعاهای دروغین و خیال‌پردازی‌های فراوان بنی اسرائیل است؛ چراکه به صورت علنی، بافته‌های خیالی و موهومات فکری آن‌ها را رد کرده است.
- اگرچه در برخورد با افراد معاند یا از بین بردن اشتباه و خطاهای جدی و عمومی یا رفع سستی جامعه در قبال احکام و حدود الهی، بیان صریح حقایق و مبارزه با اوهام و باطیلت لازم است، اما معلمان و گویندگان محترم باید ظرفیت مخاطبان خود را نیز در نظر داشته باشند.

۱۱) منصف باشد:

- از اموری که عقل و دین و وجدان به آن سفارش کرده‌اند و رابطه استاد و شاگرد را نیز عمیق می‌کند، رعایت انصاف است.
- انصاف در تدریس، انتقاد، تشویق، توبیخ و برخورد با شاگرد از رموز موفقیت است.
- رعایت انصاف موجب می‌شود که اثرپذیری در طرف مقابل بیشتر شود. اگر انسان بداند که استاد و مربی‌اش هیچ‌گونه تعصب ناهنجار نسبت به خود یا طرف مقابل ندارد و فقط به دنبال حقیقت است، به جای آن‌که به فرد بنگرد، به استدلال او می‌نگرد تا احسن را انتخاب کند. این باور در انسان ایجاد آرامش می‌کند.
- رعایت انصاف در نقد افراد، بسیار مهم است؛ یعنی اگر به فردی انتقاد داریم، نقاط قوت او را هم بگوییم.
- انصاف آن است که انسان حرف حق دیگران را بپذیرد.

مروارثه آزمون آزمایشی خیلی سبز



● از جمله موارد رعایت انصاف آن است که انسان مطالبی را که از دیگران فرا گرفته است، به خودش نسبت ندهد، خود را در بالاترین درجات علمی نداند و از هر گونه افراط و تفریط بپرهیزد.

۱۲) صمیمی و با محبت باشد:

- داشتن ارتباط صمیمی با شاگرد، از صفات خوب معلم و از رموز موفقیت اوست. بین استاد و شاگرد نباید هیچ دغدغه، دلهره و وحشتی وجود داشته باشد. برخورد خشک و رسمی و احیاناً با خشونت، شاگرد و مترقی را گریزان می‌کند.
- در همین رابطه خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید: ﴿لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ «اگر خشن و سنگدل بودی مردم از دور تو پراکنده می‌شدند».
- یکی از راه‌های ایجاد صمیمیت، محبت کردن است. محبت، قوی‌ترین یا یکی از قوی‌ترین ابزارهای تربیتی است.
- خداوند متعال در خصوص پیامبرش می‌فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ «همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آن‌چه شما را برنجانند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز و با مؤمنان رئوف و مهربان است».
- خداوند متعال دو نام از نام‌های خویش یعنی رئوف و رحیم را بر هیچ‌یک از پیامبران جز پیامبر اسلام (ص) اطلاق نکرده است. هم‌چنین آن حضرت را با جمله: ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ﴾ غمخوار امت معرفی کرده است، به گونه‌ای که هر چه مردم را برنجانند، پیامبر را می‌رنجانند و این بیانگر اوج محبت آن حضرت است که سبب جذب مردم می‌شد.
- خداوند در قرآن کریم، از راه محبت دعوت کرده است؛ مثلاً چون خدا می‌خواهد که مردم را از ظلمت تفرقه، شرک، کفر، جهل، تعصب و خرافات به سوی نور دعوت کند و آن‌ها را به دنیای توحید و اخلاص ببرد، بر مردم صلوات می‌فرستد و آنان را از این راه دعوت می‌کند.

۱۳) اهل هدایت و عمل باشد:

- معلمی کردن به رشد است. یک معلم باید اول خودش رشد کند تا بتواند دیگران را رشد دهد؛ باید اول خودش هدایت شود تا بتواند دیگران را هدایت بکند.
- پیامبر (ص): «هر کس علمش افزایش یابد ولی هدایت بیشتری کسب نکند، جز دوری از خدا چیزی به او اضافه نشده است».
- امیرالمؤمنین (ع)، ثمره و نتیجه علم را عمل، حلم، تواضع، حیات، حسن خلق، آگاهی، بیداری، استقامت، عبادت، طلب نجات و اخلاص در عمل دانسته است.
- عمل نکردن به گفتار، گاهی به خاطر ناتوانی است و گاهی از روی بی‌اعتنایی؛ که در صورت اخیر، توبیخ دارد. عالم بی‌عمل، به درخت بی‌ثمر، ابر بی‌باران، نهر بی‌آب، زنبور بدون عسل، سوزن بدون نخ و الاغی که کتاب حمل می‌کند، تشبیه شده است.

۱۴) آراسته باشد:

- انسان فطرتاً نظافت و پاکی را دوست دارد و اسلام نیز برای پاکی سفارش‌های بسیاری کرده است. البته اسلام پاکی و نظافت را مخصوص جسم نمی‌داند، بلکه به پاکی فطرت، پاکی فکر، پاکی لقمه، پاکی نسل، پاکی دل و پاکی جامعه نیز توجه دارد. هم پاکی جسم و هم پاکی روح و جان مهم است.
- شرط قبول عبادات در اسلام، طهارت است. پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس‌ها در نماز و برای عبادت سفارش شده است؛ هم‌چنین مسواک‌زدن، شانه‌کشیدن و استفاده از عطر نیز پاداش عبادت را بیشتر می‌کند.
- کسانی که با تدریس و تبلیغ، بنای اثرگذاری دارند، باید به ظاهر خود برسند. هم‌چنین کلاس تمیز، هوای جاری، نور مناسب و استفاده از رنگ‌های روشن بر تأثیر تدریس می‌افزاید.
- البته معنای پاکی و نظافت، استفاده از لباس‌های گران‌قیمت یا دوخت‌های استثنایی نیست؛ چون این رقص جاذبه‌ها، در تمرکز شاگرد برای فهمیدن مطلب خلل وارد می‌کند؛ بنابراین پوشش استاد باید نظیف و تمیز باشد، اما خالی از هرگونه جلوه‌های زینتی که ذهن شاگرد را به خود مشغول کند.

۱۵) اخلاق خوب داشته باشد:

- معلم بد اخلاق، افراد را از دور خود پراکنده می‌کند. در قرآن آیه ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ «و اگر خشن و سنگدل بودی، مردم از دور تو پراکنده می‌شدند».
- قرآن کریم، پیامبر را پیامبر رحمت نامیده و او را در مواجهه با مؤمنین، رئوف و مهربان توصیف کرده است: ﴿بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾.
- پیامبر اکرم (ص) اسوه اخلاق بودند تا جایی که خداوند متعال در میان صفات و ویژگی‌های ایشان تأکید بر خلق ایشان کرده و آن را عظیم خوانده است: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾.
- عایشه درباره اخلاق پیامبر (ص) گفته است که: «کان خلقه القرآن: اخلاق پیامبر تجسم قرآن بود». این اخلاق نبوی بود که توانست در کنار کتاب الهی، انسان‌های بزرگی تربیت نماید.
- گفتار معلم، سازندگی و تربیت نمی‌آورد، بلکه رفتار اوست که بر جان مخاطب اثر می‌گذارد، لذا حرکات و رفتار معلم باید طوری باشد که شاگرد را تربیت کند و بسازد.

۱۶) متواضع باشد:

- خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا﴾.
- «ای انسان هرگز در زمین با کبر و غرور راه مرو که هر قدر پا را محکم به زمین بکوبی، نمی‌توانی آن را بشکافی و هر چه گردن برافرازی، به بلندی کوه‌ها نخواهی رسید».
- قرآن کریم به پیامبر (ص) می‌فرماید: ﴿وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾.
- «برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، بال خود را بگستر و متواضع باش».